

Damage Control

نخستین مرحله پایان تئاتر وحشت

مجید پهلوان

www.majidpahlavan.com

قربانی نمودن مهره‌هایی از ماشین سرکوب و جنایت به منظور نجات کلیت یک سیستم و سلطه تروریستی - دیکتاتوری (در کل توتالیتز) ویژه شکل بندی‌هایی است سیاسی که سوخت و توان ادامه راه به شیوه سابق برای آنها مقدور نبوده و به ویژه در فضای روزافزون آگاهی عمومی نسبت به جنایات آن و درسایه بحران اقتصادی، دست به خودزنی کنترل شده میزند. جلو انداختن مرتضوی‌ها و افشا رسمی جنایات در شکنجه‌گاه کهریزک تازه ابتدای ماجراست و پورمحمدی‌ها از پس آنها برای زیج اسلامی و نجات دستگاه تروریستی روان میشوند.

اگر نیم‌نگاهی به سرنوشت رژیم پهلوی دوم نیز داشته باشیم شباهتهای بسیاری و بویژه از سال ۱۳۵۶ خورشیدی با آنچه این روزها در فضای ایران میگذرد دیده میشود و شورمبارزاتی نسل جوان برای زدن نظام بربریت با افشا جنایات رژیم دوچندان میشود. شرایط بین‌المللی میگوید که دوستی و نزدیکی دولت اوباما و جمهوری اسلامی ایران بخشی از همان پروژه مهار یا Containment است که در صدد کنترل روسیه و چین و متحدین آنها است. که رویکرد دولت اوباما در مورد نزدیکی با جمهوری اسلامی نه تنها از موضع ضعف نبوده که چماق تحریم‌ها و انزوای حاصل از آن و رشکستگی اقتصادی رژیم بربریت، جماران را بر آن داشت که از برگ سابق و رسوای اصلاح طلبی سود برده و از طرفی خاطر ارباب را جلب کند و از سویی دیگر پتانسیل اعتراضی پشت صدها هزار نیروی متوهم به امکان اصلاح نظام اسلامی را در شوره زارهای قم دفن نماید. این را مینویسم که باور دارم این نزدیکی دولت اوباما اما که یکی هم برای ترساندن حاکمین عربستان سعودی است و کشاندن آن سرزمین نفت خیز به سمت اصلاحات ضدانگیزه‌ای. روزی بود که حتی رسانه‌های غربی چون گاردین لندن جرات درج مطلبی علیه سعودی‌ها را نداشتند و سریع دلارهای نفتی همگان را به عذرخواهی و ادا مینمود ولی امروز براحتهی صحبت از دست داشتن عربستان در اجرای حمله تروریستی به نیویورک (برج‌های دوقلو) است. که عربستان در سایه تهدید واضح و روشن جمهوری اسلامی و مشکلات یمن و بحرین و... که بیخ‌گوش سنگین حکام سعودی هستند، در حال خانه‌تکانی است و دیریاژود باید به اصلاحات ضدانگیزه‌ای دست زند.

وقتی در اوایل سال ۱۳۵۷ خورشیدی و همزمان با سقوط بی‌رویه قیمت نفت خام و تضعیف رژیم پهلوی دوم و برآمدن ترورهای ساواک و درز کردن اخبار شکنجه‌های اعمال شده به زندانیان سیاسی، نخستین حرکت‌های اعتراضی متشکل آغاز شد و این رئیس ساواک (نصیری) بود که باید هدف قرار گیرد. با اوج

گیری تظاهرات و قوام مولفه‌های دخلی و بین‌المللی، این هویدا نخست وزیر ۱۳ ساله دوران بی‌خبری و بی‌برنامگی یک حکومت کودتایی بود که باید به قربانگاه وزندان برسد! رژیم شاه پنداشت که با قربانی نمودن چند مهره میتواند دل مردم را بدست آورد و همه کاسه کوزه‌ها را بر سر آنها خراب کرده و خود را نجات دهد. اتفاقاً رژیم دیکتاتوری زمانی آغاز به شل کردن تسمه‌های سرکوب و کشتار کرد که بیش از هر زمان به آن احتیاج داشت ولی دیکتاتوری بیش از آنکه قائم به ذات باشد به ارباب و طرح جایگزین آن وابسته بود!

آنچه که من باور دارم آن است که روزی میرسد تحلیل‌گران سیاسی از انتشار نوارهای یک مرجع شیعه (آیت اله منتظری) که خود از بنیان نظم بربریت واصل ولایت فقیه بود به عنوان آغازگر شورش عمومی و پرچم دار تظاهرات یاد میکنند و همین مسئله دارای پیامدهایی خواهد بود و نه چندان مثبت! در سال ۱۳۵۷ و شهریور و مهرماه آن سال، صفوف طرفداران و گماشتگان رژیم شاه دو پارچه شد. وقتی تظاهرات بی‌وقفه ادامه داشت انعکاس خود را در مقابله نمایندگان مجلس شاه با یکدیگر و در صحن مجلس شورای گذارده بود! رژیم شاه می‌پنداشت که با راه اندازی این جنگ زرگری و دادن پرچم مخالفت بدست امثال بنی‌احمد و دیگران، یک اپوزیسیون کنترل شده می‌آفریند و با بند و بست بین المللی نشان میدهد که ایران میتواند در غالب یک مشروط سلطنتی و همانطور که در قانون اساسی آن نیز آمده تغییر مسیر دهد و نجات یابد. زهی خوش خیالی که چون بندهای اختناق شل شد و دیگر توان جلوگیری از حرکت مردم وجود نخواهد داشت. آن سان که حتی ساواک جهنمی و منحوس و از عاملین رسوایی رژیم پهلوی برچیده و غیرقانونی شد نیز رهبری بالفعل و اسلامی تظاهرات به ساخت حکومت جانشین رژیم شاه رسیده بود. در این گیرودار شاه در فکر خروج از کشور و قربانیانش دست بسته گوشه زندان منتظر ذبح اسلامی بودند (نصیری، هویدا...).

بی‌شک مرتضوی و پورمحمدی و قربانیان بعدی جمهوری اسلامی که جلوی خشم مردم پرتاب میشوند آغاز مرحله جدیدی از حیات نظام بربریت است. اگر این احتمال بوجود آید چه انقلابی وظیفه دارد تا همین امروز به فکر فردا باشد. به یاد می‌آورم که در لحظه سقوط رادیو ایران در میدان آرگ (۲۲ بهمن ۵۷) و در حالیکه هزاران نفر ساختمانهای رادیو و بخش اداری آن را هدف قرار داده بودند کسی به فکر تهیه اعلامیه و اصلاحیه‌ای نبود که فوراً و با همکاری بخشی از کارکنان رادیو که حاضر به همکاری بودند خوانده شود. این مهم روی هوا بود که سه‌آخوند زبروز رنگ خود را از مدرسه رفاه رساندند و شد آنچه که شنیدید. پیام امام خمینی... و اطلاعیه دولت موقت و اعلامیه شورای انقلاب اسلامی! اکنون گاه و زمان آن است که فارغ از جنگ و دعواهای ماندگار و سالیان، چپ‌اکیدا در فکر و عمل به ارائه بدیل جمهوری باشد. این بدیل باید در عرصه‌های اقتصادی - سیاسی برنامه روشن، عامه فهم و عملی داشته باشد. در عرصه حقوق بشر و بنای آزادی‌های دموکراتیک مردم خود و با زندگی خود محلی از اعراب برای سازمانهای سیاسی باقی‌نمیگذارند چرا که همین موارد است که عمدتاً جوانان را مقابل نیروی مسلح رژیم قرار داده و سالهاست که جوانان علیرغم آن همه تحقیر و شکنجه و بازداشت و بویژه دختران جوان و زنان، جمهوری اسلامی را عذاب داده‌اند. آنچه که برعهده چپ انقلابی است نشان دادن اراده، جرات و بلوغ است که بتواند چپ را که علیه دیکتاتوری سابق و تروریسم کنونی موضوع دارد و دنیای دیگری و بهتری را روی همین زمین ممکن میداند، متحد کند. گاه سرنگونی رژیم مردمان دنبال واکاوی تئوریک نیروهای انقلابی نخواهند بود و حمایت از کسانی میکنند که جدا زن و مرد میدان باشند و فرس را از زیر پای

قاتلین فرزندان خلق ستمدید بکشند. که ذبح اسلامی سعید مرتضوی ها تازه
ابتدای ماجرای سقوط رژیم بربریت و پایان تئاتر وحشت اسلامی است.

